

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الم

﴿۱﴾

سِرّ خاصی هست ز اسرارِ عظیم در اشاره بر الف و لام و میم
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

﴿۲﴾

نیست خدایی غیر یکتای احد زنده و پاینده، مافوقِ ابد
نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

﴿۳﴾

بر تو نازل کرده برحق و صواب جمله آیاتِ الهی در کتاب
که نمود تصدیق و تکمیل و تمام بهر تورات و ز انجیل، حدّ تام
مَنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَاللَّهُ
عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

﴿۴﴾

آن بوده رهنما بر کلّ ناس تا همه مردم بگردند حق شناس
 همچنین نازل بشد فرقانِ حق باطلان گشته جدا اندر فرق
 آن که شد کافر به آیاتِ مجید بهر او آید عذاب‌های شدید
 حق عزیز و مقتدر در حدّ تام اوست حاکم بر امان و انتقام

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ



بر خدا پوشیده نیست خُرد و کلان آنچه باشد در زمین و آسمان

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۚ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ



اوست آن که می‌نگارد بهرتان شکل بخشد بر جمال و چهره‌تان
 در زمانی که رَحِم دارد جنین هر چه خواهد ذاتِ ربّ العالمین
 نیست خدایی غیر یکتای کریم که عزیز است و توانا و حکیم

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۚ فَأَمَّا
 الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۚ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ
 إِلَّا اللَّهُ ۚ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ



آن که نازل کرده بر سویت کتاب اندر آن آیاتِ محکم شد خطاب
 آیه‌هایی که کند اصل را بیان نکته‌هایی محکم و نافذ در آن
 برخی آیات با تشابه ظاهر است که به چند تعبیر گویی درخور است
 آن کسانی که بوند اهلِ غرض در قلوب از کینه‌ها دارند مرض
 می‌کنند تفسیر از خُبثِ ضمیر تا نمایند فتنه در راه و مسیر
 لیک تأویلاتِ آیاتِ مُبین کس نداند غیرِ ربّ العالمین

هم خردمندان و جمله اهل عقل می‌کنند این‌گونه اظهارات و نقل
 که به کلّ آیه‌ها اندر کتاب مؤمنیم و معتقد روی حساب
 جملگی چون که بود از ربّ ما هادی اندر راه دین و رهنما
 این‌چنین نکته نیارند یاد و ذکر جز خردمندان که هستند اهل فکر

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ



بارِ اِها! بر ره کذب و ذنوب برمگردان قلبِ ما را بر عیوب
 بعد از آن گونه هدایت‌های خویش رحمتِ خود را به ما بنمای بیش
 که تویی وهّاب و بخشنده مُدام بر همه مخلوقِ عالم، مُستدام

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ



بارِ اِها! تو به راستی و یقین جمع گردانی همه خلق اجمعین
 اندر آن روزِ قیامِ مردگان که نباشد شک و ریبی اندر آن
 نیست خُلفی و خطایی هیچ‌گاه آنچه را وعده بفرموده اِله

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ



آن که کافر گشته و رفته خطا در قبالِ خشمِ آن یکتا خدا
 مال و فرزندانشان وقتِ عِقاب نیست دافع یا که مانع بر عذاب
 چون ز آه خویشان بگرفته سوز می‌شوند اندر جحیم آتش‌فروز

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

این گروه نیز همچنان فرعونیان یا به دورانِ سبقِ آن کافران
 کرده تکذیب از خطاِ آیاتمان حق نمود آنکه مجازاتی گران
 آن زمان که می‌رسد وقتِ حساب حق تعالیٰ هست شدید اندرِ عقاب

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُهُمْ وَتَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

گو به کفار و به آن قوم عنود که بگردید سرشکسته خیلی زود
 همچنین محشور بگردید قعرِ نار جایگاهی پست و بد، فرجامِ کار
 قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۖ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ
 مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ ۗ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

بر شما هست آیتی بس آشکار چون تلاقی گشت روزِ کارزار
 فرقه‌ای بودند زِ اصحابِ کبار در ره حق جمله مانده استوار
 فرقه‌ای دیگر زِ کُفار و عدو گشته‌اند اندرِ نبردی روبه‌رو
 در میان جنگ دیدند کافران که مضاعف گشته جمعِ مؤمنان
 هر که را خواهد خداوند مجید می‌دهد نصرت و نیرویی شدید
 این‌چنین عبرت بود پندی دقیق هر که دارد او بصیرت در طریق

زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْأَفْضَّةِ
 وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۚ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

گشته زینت از برای مردمان شهوت نفسانی بر سوی زنان

حُبِّ فرزندان و جمعِ زر و سیم مال اندوزی زِ روی حرص و بیم
اسب‌های قیمتی و بانسان هم چهارپایان و کشت و زرعشان
این همه باشد متاعِ دنیوی نزد حق باشد مکانِ اُخروی
یعنی آخر کار و در روز حساب نزد یزدان رفته با حُسن‌المآب

﴿قُلْ أُوْنِیْتُكُمْ بِخَیْرِ مِّنْ ذَلِكُمْ ۚ لِلَّذِیْنَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِیْنَ فِیْهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ﴾

﴿۱۵﴾

گو کنم آگه شما را اجمعین؟ که بیابید خیرهایی به ز این؟
آن که باشد متقی بر کردگار حق دهد از آنچه دارد اختیار
منتفع گردند همیشه جاودان جنتی را که در آن نهرها روان
جفت‌هایی پاک بیارند در کنار همره خوشنودی از پروردگار
حق بود آگاه و می‌باشد بصیر بر تمام بندگان، خُرد و کبیر

الَّذِیْنَ یَقُولُونَ رَبَّنَا اِنَّا اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ

﴿۱۶﴾

آن کسان که بازگویند از ادب که تویی خلاقِ ما، ای ذاتِ رب!
اهل ایمانیم و خواهیم مغفرت حافظ ما باش زِ نار در آخرت

الصَّابِرِیْنَ وَالصَّادِقِیْنَ وَالْقَانِتِیْنَ وَالْمُنْفِقِیْنَ وَالْمُسْتَغْفِرِیْنَ بِالْأَسْحَارِ

﴿۱۷﴾

آن گروه صادق بوند و صابرند که کنند انفاق و فرمان می‌برند
همچنین مستغفرین سوی اله که تمنا آورند اندر پگاه

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأَوَّلُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ذات حق آرَد شهادت و گواه که نباشد جز خودِ او هیچِ اله
این شهادت را دهند خیلِ مَلَك اصلِ وحدت را همگی تک به تک
همچنین اهلِ خرد، آن قومِ راد قائمند و قائلند بر اصلِ داد
نیست خدایی غیرِ آن ذاتِ علیم قادرست و هم عزیزست و حکیم

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۖ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ
بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

دینِ مقبول نزد خلاقِ جهان هست اسلام از برای بندگان
می‌نکردند اختلافِ اهلِ کتاب جز مگر که بعد از این آیاتِ ناب
تا بدیدند که چنین حرف و نسق نیست الاّ که همگی حرفِ حق
اختلاف کردند و جعل، حدّ زیاد از حسد بود و زِ بُخل و از عناد
هر که کافر شد بر این آیاتِ ناب حق بود بهرش سریعِ اندر حساب

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۚ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ
أَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

پس اگر آرند ستیز در گفتگو این‌چنین از بهر ایشان تو بگو
روی خود کردم ز تسلیم و رضا همچنین با پیروانم بر خدا
هم به آن اهل کتاب و اُمّیان گو که ایمان آورید ای مردمان!
گر که اسلام آورند این‌سان فرق بر هدایت می‌شتابند سوی حق
گر اِبا آرند ز این‌سان حُجّتی نیست تکلیفی تو را جز دعوتی
هست آگه ذاتِ یکتای خبیر بر تمام بندگان باشد بصیر

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ
مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

﴿٢١﴾

آن کسان که کافرنند در روزگار بر همه آیاتِ ذاتِ کردگار
که به ناحق کُشته جمعی انبیا همچنین جمعی دگر از اصفیا
هم بکشتند مردمانِ اهلِ داد آن کسانی که بُدند اهلِ و داد
پس بشارت ده بر این قوم لئیم بر عذاب دردناک و هم اَلیم

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

﴿٢٢﴾

آن کسان که جمله‌ی اعمالشان می‌شود ضایع، نبخشد سودشان
هم در این دنیا و هم در آخرت ناصر و یاور نیابند هیچ جهت

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ
فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

﴿٢٣﴾

تو ندیدی که به قومِ با کتاب؟ این‌چنین بر سویشان آمد خطاب
که کتابِ ایزدی بر سر نهند هم به احکام الهی رو کنند
بهرِ ایشان حُکم می‌راند خدا روی برگردانده جمعی از خطا
چون که آرند اعتراض بر ذات رب رو بگردانند زِ حق از این سبب

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنُ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۖ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

﴿٢٤﴾

این‌چنین گویند که خلاقِ کریم می‌نیارد هیچ ما را در جحیم

جز مگر ایامِ معدود در زمان بس دروغ سازند اندر دینشان
از غرورِ سخت آرند این بیان خود فریبند این گروهِ کاذبان

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴿۲۵﴾

پس چگونه می‌شود روز قیام مردگان آیند همه کامل و تام؟
روزی که در آن نباشد هیچ شک بندگان آیند همگی تک به تک
هر کسی بیند به حدِّ خود جزا هم نگردد ظلم و جوری از خدا

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ
وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۲۶﴾

گو تویی بر مُلکِ هستی پادشاه ربِّ عالم، ذاتِ یکتایِ اله
هر که را خواهی دهی مُلکِ جهان گر بخواهی تو بگیری بی‌امان
هر که را خواهی دهی عزّت به آن گر بخواهی خوار سازی هر زمان
در یدِ تو جملگی خیر و رواست عزّت و ذلّت بود حق و بجاست
بر همه چیز قادری در حدِّ تام منع و اعطا از تو می‌باشد مُدام

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

﴿۲۷﴾

ظلمت شب را کنی در روز نهان روز، پنهان سازی در شب بی‌امان
زنده می‌آری برون از مردگان مرده سازی زنده را اندر جهان
هر که را خواهی دهی رِزقی گران روزی و رزق از تو باشد بی‌کران

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ ۚ وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

﴿۲۸﴾

اهل ایمان بهر دوستی و وفاق لازم است که جملگی بالاتفاق دوست نگزینند به جای مؤمنان از جماعتی ز قوم کافران هر کسی کرد این چنین کار آشکار گشته بیگانه یقین با کردگار جز مگر آنکه برای دفع شر تا که باشند از فتن اندر حذر حق دهد هشدار و ترساند چنین چون بود رجعت به رب العالمین

قُلْ إِنْ تَخْضَعُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ۖ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۲۹﴾

گو هر آنچه در قلوب دارید نهان یا نماید آشکار و هم عیان یا هر آنچه هست در بطن زمین در سپهر و آسمانها همچنین هست آگه ذات یکتای خبیر بر همه چیز او توانا و قدیر

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۚ وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۚ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ

﴿۳۰﴾

روزی که هر کس ببیند روبه روی کارهای خود ز اعمال نکوی هم ز اعمال پلید و فعلشان فاصله خواهند که باشد بینشان حق تعالی بیم دهد از خویشان هست رئوف بر بندگان ذوالمنن

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۳۱﴾

گو اگر که دوست دارید کردگار پیروی از من کنید در روزگار
تا شما را هم خدای مهربان دوست بدارد جملگی اندر جهان
هم ببخشاید شما را از گناه هست غفور و مهربان ذاتِ اله

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

﴿۳۲﴾

گو برید طاعت همگی از خدا همچنین از آن رسولِ رهنما
گر بگردانید روی خود از آن می‌روید در زمره‌ی ناباوران
ذاتِ پاکِ ایزدی نیز بی‌گمان دوست ندارد او جمیعِ کافران

﴿۱﴾ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

﴿۳۳﴾

حق گزید آدم ز اکرام در وضوح برگزیده بعد از ایشان نیز نوح
آلِ ابراهیم به وجهی در عیان آلِ عمران را همی اندر جهان
ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿۳۴﴾

همچنین بعضی زِ فرزندانِشان برگزیده حق‌تعالی در جهان
هست دانا ذاتِ یکتای کریم او سمیع و بر همه عالم علیم
إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿۳۵﴾

همسر عمران بگفت، ربِّالکرَم! نذر کردم بچه‌ام اندر شکم

من زِ فرزندی نمایم او رها تا فقط خدمت نماید مر تو را
 کن قبول نذرِ مرا ذاتِ کریم بر همه مخلوق سمیعی و علیم
 فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّی وَضَعْتُهَا اُنْثٰی وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْاُنْثٰی^{۳۶}
 وَاِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَاِنِّی اَعِیْذُهَا بِکَ وَذَرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ

﴿۳۶﴾

تا که زایید، دید مؤنث در برست گفت یا رب! بچه‌ی من دخترست
 اعلمی و حکمت آن نزد توست گر مؤنث آمده باشد درست
 نیست همسان در شئون زندگی مرد با زن در امور بندگی
 نام او مریم نهادم زین سبب تا عبودیت نماید ذاتِ رب
 او و فرزندان او را ای رحیم! ده پناه از شرّ شیطانِ رجیم
 فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَاَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا^{۳۷} كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا
 الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا^{۳۸} قَالَ يَا مَرْيَمُ اَنْیَ لَکِ هٰذَا^{۳۹} قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ^{۴۰} اِنَّ اللّٰهَ
 یَرْزُقُ مَنْ یَّشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ

﴿۳۷﴾

پس خدای او دعایش کرد قبول بهترین‌ها داد او را در اصول
 پرورش دادش بر وجهی نکو زکریّا هم بشد قیم بر او
 زکریّا هر زمان آن مرد راد بر سوی مریم به محراب پا نهاد
 او بدید که نزد مریم رزق‌هاست گفت ای مریم! بگو این از کجاست؟
 گفت مریم این‌چنین رزق و طعام از خداوند است در وجه تمام
 هر که را خواهد دهد حدّ کمال بی‌حساب بخشد خدای ذوالجلال

هٰنَآلَکَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ^{۴۱} قَالَ رَبِّ هَبْ لِّی مِنْ لَّدُنْکَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً^{۴۲} اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاءِ

﴿۳۸﴾

چون زکریّا بدید بس آشکار
گفت یا رب! ای یگانه! ای خدا!
تا مرا حاصل شود حُسنُ الْمآبِ
این چنین انعامِ رب در انحصار
بهرِ من فرزند نیکو کن عطا
تو سمیعی، این دعا کن مُستجاب

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمَحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ
اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

﴿۳۹﴾

بعد از آن عرض دعا و آن نیاز
آمدند و داده مژده بس گران
بر تو بخشد ذات ایزد یک پسر
می کند تصدیقِ گفتارِ خدا
او شود پیغمبر اندر این جهان
سوی محرابش ملائک در نماز
کاین بشارت بوده از ربّ جهان
نام او یحییٰ نموده زین اثر
سرور است و فارغ از رجس و خطا
چون که صالح هست و از
شایستگان

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا
يَشَاءُ

﴿۴۰﴾

گفت یا رب! چون توان بخشد اثر؟
چون ز سن و سال گشتم من کبیر
گفت، اگر چیزی بخواهد ذوالجلال
که ببخشایی بر این عبادت پسر؟
همسرم هم یائسه گشته و پیر
می شود واقع، نمی باشد محال

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً ۚ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا ۚ وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا
وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ

﴿۴۱﴾

گفت، یا رب! ای خداوندِ جهان! پس عطا کن آیتی بهر نشان

حق بفرمود که ببند لب را سه روز از تکلم، جز به ایما و رموز
ذکر آور ربّ خود را بس زیاد گو تو تسبیحش، به شام و بامداد

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

﴿۴۲﴾

آن زمانی که ملائک آمدند سوی مریم بس بشارت داده‌اند
هم بر او گفتند، خداوند جهان برگزیدت از میان مردمان
طاهرت فرمود، ز ناپاکی بری از همه زن‌های عالم برتری

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

﴿۴۳﴾

هم بگفتندش که مریم! در جهان سوی ربّت باش ز نیکو بندگان
در سجود آی و همی اندر رکوع این‌چنین بر ایزد خود کن رجوع
بهر شکر و حمد ربّ‌العالمین با همه اهل نماز بنما چنین

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُ أَفْلَأَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

﴿۴۴﴾

این بود اسرار غیب اندر نهان که بکردیم وحی بر سویت عیان
تو نبودی آن زمان اندر جهان می‌نوشتند قرعه‌ها بر نامشان
تا چه کس قیّم بگردد و وکیل؟ گشته او بر مریم عمران کفیل
بهر این امر در میان آن رجال دشمنی افتاد و بنمودند جدال

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

آن زمانی که ملائک جملگی سوی مریم گفته با فرخندگی
که بشارت داده یزدانت صریح بر کلام عیسی و نام مسیح
عیسی مریم که اندر دو جهان او مُقَرَّب هست به ذات مُستعان

وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

او به گهواره سخن راند چنان مثل و مانند سخن از کاملان
همچنین در نزد خَلَّاق جهان او شود شایسته و از صالحان
قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ إِذَا قُضِيَ الْأَمْرُ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

گفت یا رب! من چطور زایم پسر؟ من که هم‌بستر نگشتم با بشر
گفت که باشد بی‌نیاز ذاتِ خدا هر چه را خواهد، همی آرد به‌جا
گر مشیت‌های حق سویی رود تا که امر آرد بشو، آنکه شود

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

پس بدو آموخت حکمت بی‌حساب هم ز تورات و ز انجیل و کتاب

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَآئِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ

تا فرستد حق و او گردد رسول
گشته مأمور پس به اسرائیلیان
مرغکی سازم ز گل چون طیرها
کاین بود با اذنِ خلاقِ مجید
هر کسی چشمان او گردیده کور
هر کسی که پیسی دارد در بدن
مردگان را زنده سازم، داده جان
می‌دهم از خانه‌هایتان خبر
این همه اعجاز از بهر شما
گر که هستید جملگی اندر جهان
بر خلاق کرده ابلاغِ اصول
گفته از حق من بیاوردم نشان
می‌دمم بر وی، کند پروازها
حق تعالی اندر آن مرغک دمید
من شفا بر دیده بخشم سوی نور
من شفا بخشم به فضل ذوالمنن
اذن آن را می‌دهد ربّ جهان
که چه خوردید و چه بنهادید بر
هست آیت تا شناسید رهنما
اهل ایمان و ز جمع مؤمنان

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ ۚ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ
مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

هم کنم تصدیق جمله این کتاب
پس حلال سازم برخی از حرام
آورم من آیه‌ها از ربّتان
پس بترسید از خدای ذوالمنن
آنچه تورات گفته از آیاتِ ناب
که شما محروم از آن بودید تمام
تا قبول آرید مرا اندر جهان
جملگی تابع شوید بر امر من

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

هست یزدان، ربّ من، هم ربّتان
بندگی بر غیر حق بوده خطا
پس فقط او را پرستید در جهان
راه راست باشد فقط سوی خدا

﴿٥١﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

﴿٥٢﴾

چون که دید عیسیٰ جمیع مردمان
گفت، از بین شما کیست یار من؟
آمد از حواریون این‌سان ندا
اهل ایمانیم و بر ما ده گواه
در ره غفلت شدند از کافران
تا که ره پوید به سوی ذوالمنن
ما همه انصار و یاور بر خدا
که شدیم مُسلم همه نزدِ اله

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

﴿٥٣﴾

بارِ الهّا! آنچه تو دادی نزول
هم نماییم پیروی نیز از رسول
نام ما را جزو اصحابِ یقین
ثبت فرما در ردیفِ شاهدین
ما به ایمان جملگی داریم قبول
سر نمی‌تابیم هرگز از اصول

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

﴿٥٤﴾

مکر و نیرنگ‌ها بکردند مردمان
مکر او تبدیلِ حق و باطل است
حق ز عدلش مکر می‌آرد میان
در مقابل مکر نمود ربّ جهان
که سزای حيله‌بازِ غافل است
برتر است از مکرسازانِ جهان

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

﴿٥٥﴾

حق به عیسیٰ^۱ این چنین بنمود بیان
 پس تو را بالا برم، رفعت دهم
 تا رهایی بَخَشْمَت از کافران
 پیروانت را همی تا یومِ دین
 رجعتان جملگی باشد به من
 حکم نمایم از عدالت آن جهان

می‌کنم روحِ تو را قبض در جهان
 پاک و تطهیرت نمایم در بَرَم
 که بکردند مکر پنهان و عیان
 برتری بَخَشْمَت به قومِ کافرین
 نیست استثنایی بهرِ هیچ تن
 زانچه بوده اختلاف در بَینَتان

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

﴿۵۶﴾

آن گروهی که شدند از کافران
 هم در این دنیا و هم در آخرت
 بَخَشْمَت ایشان را عذابی بس گران
 نیست یاور بهرشان در مغفرت

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

﴿۵۷﴾

لیک آنها که شدند مؤمن به دین
 اجر ایشان را خدای ذوالجلال
 دوست ندارد ذاتِ ربِّ العالمین
 هیچ ستمکاری ز قومِ ظالمین

کارِ صالح نیز نمودند همچنین
 می‌دهد از لطف در حدِّ کمال
 کارِ صالح نیز نمودند همچنین
 می‌دهد از لطف در حدِّ کمال

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

﴿۵۸﴾

این سخن‌ها که به تو خواندیم
 رسول!

آیتِ حق حجتی باشد عظیم
 که بود ذکرِ خداوند حکیم

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

﴿۵۹﴾

خلقت عیسیٰ به دست ذوالجلال
 که ز خاک تیره ساخت ربّ فرید
 همچو آدم هست در وجهِ مثال
 گفت شو! آن دم بشد آدم پدید
 الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

﴿۶۰﴾

حرفِ حق است آنچه آورده بیان
 بر چنین گفتاری از ذاتِ اله
 ربّ تو، آن خالقِ هر دو جهان
 شک و ریبی تو نیاور هیچ‌گاه
 فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

﴿۶۱﴾

ای پیمبر! با تو هر کس از لجاج
 بعدِ الهام و ز وحی ذوالجلال
 آمده اندر جدال و احتجاج
 گو بیایید ای گروه غافلان!
 که رسیدی بر علوم اندر کمال
 ما بیاریم جمله اولاد و زنان
 تا که خوانیم جملگی ربّ جهان
 جان ما و همچنین نیز جانتان
 هم شما آرید زن و اولادتان
 بر تباهل آوریم در یک زمان
 تا که نفرین‌ها نماییم یکدگر
 که شود نابود کاذب سربه‌سر
 و هر آن که کذب گفته زین میان
 مورد لعن خدا چون کاذبان

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۶۲﴾

این بود از قصّه‌ها اندر مثال
 نیست معبودی به جز ربّ رحیم
 هست برحق و درست و در کمال
 آن خدایی که عزیزست و حکیم

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

هر که رو گرداند از ربّ جهان آگه است پروردگار بر مفسدان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

گو تو اینک ای رسولِ مستطاب! بر کسانی که بوند اهل کتاب
بر کلامی که مساوی بین ماست
ما نیاریم بندگی بر غیر او
تا شریک بر او نگیریم هیچ رو
برخی، بعضی را نگیرند از خطا
بر ربوبیت، به جای تک خدا
یعنی از اربابِ انواع وجود
هیچ نبود غیرِ آن ربّ و دود
پس بگردانند اگر روی از اله
بازگوید که شما باشید گواه
این چنین اقرار بیاریم جلوه گون
ما همه تسلیم محض و مسلمون

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بهر ابراهیم ای اهل کتاب؟ چون کنید این احتجاجِ ناصواب؟
که یهودی یا مسیحیست آن رسول حالی که تورات و انجیل در اصول
بعد از او نازل شدند بر مردمان هیچ نمی آید تعقل اندر آن؟

هَآ أَأَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

هان! ستیزه می‌نمایید بی‌گمان آنچه را که آگهید از اصل آن
 پس چرا آنچه ندانید، از لجاج از سر کین، باز نمایید احتجاج؟
 علم دارد ذاتِ یکتای حمید از هر آنچه که شما ناآگهید
 مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

﴿۶۷﴾

نه یهودی بوده ابراهیمِ راد نه نصاریٰ بوده اندر اعتقاد
 او مسلمان بوده و هم پاک دین که نبود هرگز ز قوم مُشرکین
 إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۶۸﴾

هست به ابراهیم نزدیک‌تر کسی که نماید پیروی از او بسی
 این پیامبر همچنین آن پیروان جملگی مؤمن به یزدانِ جهان
 پیروی آورده از آن کیش و دین حق تعالیٰ هست ولی بر مؤمنین
 وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

﴿۶۹﴾

دوست دارند جمعی از اهل کتاب که کنند گمره شما را از صواب
 لیک گمره کرده ایشان خویشتن درنیابند این جماعت هیچ سخن
 يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

﴿۷۰﴾

از چه رو ورزید کفر، اهل کتاب؟! بر چنین برهان و این آیات ناب
 بعد از آنکه جملگی خود شاهدید بر گواه و صدق آن نیز واقفید
 يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای شما اهل کتاب! در این سرا حق بیوشانید با باطل چرا؟
می‌کنید کتمان و بنمایید نهان گر چه آگه بوده‌اید از اصل آن

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا
آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فرقه‌ای گفتند از اهل کتاب از ره مکر و نه از روی صواب
که بیارید جمله ایمان بر اصول آنچه را بر اهل ایمان شد نزول
اول روز آورید ایمان تمام لیک روگردان شوید در وقت شام
تا مگر زین حيله و مکر و مجاز روی گردانند ز ایمان جمله باز

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ
يَحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

بر کسی ایمان نیارید در جهان جز که پیرو باشد از آیینتان
گو نبی! راه سعادت بی‌گمان آن بود که حق تعالی داد نشان
می‌کند از راه جود خود خدا بر شما و دینتان آن را عطا
یا مگر در نزد یزدان از لجاج حق و باطل جمله آرند احتجاج
گو فقط رحمت به دست کبریاست هر که را خواهد دهد، بر او رواست
هست گسترده یقین فضل کریم بر همه اجزاء عالم او علیم

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

اختصاص ایزد دهد رحمت گهی هر که را خواهد، ز حُسنِ بندگی
آن خداوندِ کریم و آن رحیم صاحب فضل است و انعام عظیم

﴿وَمَنْ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدَّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدَّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

﴿۷۵﴾

پاره‌ای از مردمان، اهل کتاب
پس دهند کُلّ امانت را به حال
برخی می‌ورزند خیانت بی‌دلیل
جز طلبکاری کنی تو بس شدید
این‌چنین گویند از کفر و عمی
گر نباشد صاحبش هم‌کیشمان
این‌چنین حرف دغل وین افترا
نیست در آیات حق این گونه نقل
در امانت‌داری بوده خوش‌حساب
گر چه باشد بس زیاد آن گونه مال
رد نسازند گر چه دیناری قلیل
تا امانت را ستانی زان پلید
هست مباح این‌گونه مال از بهر ما
از کتاب و دین و از آیینمان
می‌دهند نسبت به آیات خدا
خود بدانند که خطا گویند ز عقل

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

﴿۷۶﴾

آری! هر کس که وفا کرد بر عهد و
پس بپرهیزد ز ایزد اجمعین
مُتَّقِی باشد به یزدانِ ودود
دوست دارد حق‌تعالی متّقین

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۷۷﴾

هر کسی که عهد و ایمان با اله
بر بهای اندکی داد از گناه

او نبیند روی خیر و عافیت در بهشت ناید همی در عاقبت
 حق نیارد یومِ دین بر او نظر هم سخن با او نگوید در سقر
 پاک و طاهر هم نسازد آن لئیم بهر او باشد عذابی بس الیم

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ
 وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

﴿۷۸﴾

جمعی از ایشان، ز آیاتِ کتاب تا هر آنچه که به تحریف گفته‌اند
 هر چه این گونه بیافند آن خسان گر چه گویند که کلامی از خداست
 لیک هرگز این نباشد، هیچ‌گاه بر خدا بُهتان زنند دانسته نیز
 بر زبان پیچند و سازند انتساب از کتاب حق بگویند بوده پند
 نیست هرگز از کتابِ آسمان که کنون اندر زبان و دستِ ماست
 یک چنین کذب از بیاناتِ اله یعنی بر پروردگار آرند ستیز

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

﴿۷۹﴾

نیست سزاوار بر بشر، که کردگار از کتاب و حکمت و پیغمبری
 پس بگوید او به اقوامش عیان لیک بگوید او به اقوامش مدام
 آنچه علمش یافتید اندر کتاب کرده اعطا بهر او بس آشکار
 تا نماید قوم خود را رهبری عبد من باشید نه عبدِ ربّتان
 حق پرستیم ما همگی مستدام پس بیاموزید در فعل و خطاب

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۖ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

﴿۸۰﴾

امر نفمودست هرگز ذات رب که بخوانید همچو یزدان در طلب
از ملائک یا که هر یک از رسول خوانده همچون ربّان اندر اصول
امرتان بر کفر نماید حق چنین؟ بعد از آنکه گشته‌اید از مسلمین

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۖ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۚ قَالَ فَاشْهَدُوا ۚ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

﴿۸۱﴾

چون گرفت میثاق، یزدان از رسل از همه پیغمبران از جزء و کل
که بدادیم بر شما از لطف خویش هم کتاب و حکمت اندر راه کیش
تا فرستد آخرالامر یک رسول بهر مخلوق در کمال اندر اصول
می‌کند تصدیق کتب را بر گواه آن رسول کامل از یکتا اله
تا که ایمان آورید آیین وی بر صراط مستقیم و دین وی
پس خدا پرسید، ایمان آورید؟ بر رسولم هم به آیات مجید؟
جمله گفتند ما به اقرار آمدیم بر رسول و آن کتابت ای کریم!
این‌چنین فرمود آنکه نیز اله که به اُمّت‌های خود باشید گواه
یاوری سازید اندر راه دین که منم خود از گواه و شاهدین

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

﴿۸۲﴾

بعد میثاقی چنین گر که اُمم روی گردانند ز حکم ذوالکرم
می‌شوند گمره ز عهد سابقون پس بگردند جملگی از فاسقون
أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

﴿۸۳﴾

در طلب آرند همی در روزگار؟ غیر دینِ حق نمایند اختیار؟
 اندر احوالی که هر چه پا به جاست گر بود اندر زمین یا در سماست
 خواه و ناخواه از خدا فرمانبرند سوی او هم عاقبت رجعت کنند

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ
 مُسْلِمُونَ

﴿۸۴﴾

گو که ما ایمان بیاریم و قبول هم بر آنچه گشت نازل بر خلیل
 سوی یعقوب و سپس اولادشان هم به اسحاق و به سوی اسمعیل
 آنچه بر موسیٰ و عیسیٰ شد عطا که شدند مأمور از ربّ جهان
 نیست فرقی بین آنها بی‌گمان بر رسولان، از سوی یکتا خدا
 ما همه تسلیم و تابع بهر آن

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

﴿۸۵﴾

هر کسی اندر جهان کرد اختیار غیر اسلام، دینی نزد کردگار
 نیست مقبول و نیابد مغفرت او زیانکار می‌شود در آخرت

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَاللَّهُ
 لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

﴿۸۶﴾

چون بود ممکن که ربّ دو جهان؟ بر هدایت آورد آن کافران؟
 بعد ایمانی که آوردند قبول و شهادت داده بر حق و رسول
 بعد آن آیات و آن سان بینات کفرها ورزیده باز از هر جهات

بر هدایت راهی ننماید اِلَه ظالمانی را که رفتند بر تباه
أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

﴿۸۷﴾

کیفرشان لعنتِ حق است مُدام هم زِ مخلوق و ملائک مستدام
خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ

﴿۸۸﴾

جاودان و مستمر بینند عذاب بهرشان تخفیف ناید در حساب
در نظر نایند زِ آن یکتا اِلَه رحمتی نبود به ایشان هیچ‌گاه
إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۸۹﴾

جز مگر توبه‌کننده از گناه که کند اصلاح کارهای تباه
هست غفور و مهربان ربِّ کریم بر همه مخلوقِ عالم بس رحیم
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

﴿۹۰﴾

بعدِ ایمان، هر کسی کافر شود از جهالت کفرش افزون‌تر شود
نیست مقبول توبه‌ی او در جهان تا ابد باشد زِ خیلِ گم‌رهان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ^۳
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

﴿۹۱﴾

هر که کافر گشته و در کفر بمرد همره خود هرگز او خیری نبرد
 بر رهایی و نجات خویشان گر دهد فدیه به ذات ذوالمنن
 هم به پهنای زمین گر داده زر بهر او هرگز نمی‌بخشد ثمر
 سهم ایشان است عذابی بس آلیم یاور و ناصر ندارد آن لئیم

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

﴿۹۲﴾

هیچ نیایید در صف نیک‌خصلتان در حضور ذات حق، رب جهان
 جز که انفاق آورید بهر کسان زانچه را که بوده آن محبوبتان
 هر چه انفاق آورید و هر چه هست حق تعالی از نهانش آگه‌ست

﴿۵﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ
 التَّوْرَةُ ۚ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

﴿۹۳﴾

بهر اسرائیلیان خورد و خوراک کلهم بود طیب و طاهر و پاک
 غیر آنکه اسرائیل اندر طعام کرده برخی را برای خود حرام
 این‌چنین کردند زمان ماسبق قبل تورات و همه آیات حق
 گو بیارید و بخوانید از صواب آنچه تورات گفته از آیات ناب
 بر تلاوت آورید آن موبه‌مو گر شما هستید قومی راستگو

فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

﴿۹۴﴾

بعد از این حجت که آمد بر شما هر کسی که افترا زد بر خدا
 می‌شود او پست‌ترین کاذبان از ستمکاران ظالم در جهان

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۖ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ای پیمبر! گو به کلّ این فِرَق صدق باشد جملگی گفتار حق
 پس نمایید پیروی از ابرهیم دین بی‌آلایش و پاک و سلیم
 او نبْد هرگز به دورِ روزگار از گروه مشرکان بر کردگار

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

مگه تخصیص یافت بنای اولین بر عبادت بهر مردم اجمعین
 که بگردیده مبارک از اساس هم هدایت‌ها ببینند جمله ناس

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ
 اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

بوده آیت‌هایی اندر این مکان چون مقام ابرهیم و آن نشان
 هر که داخل شد بگردد در امان از حوادث و ز خطرهای جهان
 حق تعالیٰ بر همه مخلوق خویش واجب آورد حجّ بیت‌الله به کیش
 آن که دارد استطاعت در سبیل قدرت جانی و مالی، هر قبیل
 هر که کافر شد بر آن از کاهلی او زیانکار می‌شود زین جاهلی
 بی‌نیاز باشد خداوند جهان از عبادت‌های جمله بندگان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

گو چرا کافر شوید اهل کتاب؟ چشم خود پوشید بر آیات ناب
 هست شاهد آن خداوند جهان بر همه نیّات و هم اعمالتان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ ۚ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

﴿۹۹﴾

گو رسولا! باز بر اهل کتاب از چه رو آرید کاری ناصواب؟
 راه ایزد سد کنید بر مؤمنین؟
 کج بخوانید راه ایزد از عناد
 کفر دانید راه توحید از فساد
 چون که باشید بر حقیقت‌ها گواه
 پس بترسید سخت از خشم اله
 نیست غافل حق تعالی در جهان
 از همه نیات و از اعمالتان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

﴿۱۰۰﴾

ای گروه مؤمنان! ز اهل کتاب برخی هستند هادی سوی ناصواب
 گر نمایید پیروی از آن کسان بعد ایمان می‌شوید از کافران

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۚ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

﴿۱۰۱﴾

پس چرا کفرها بورزید بهر دین؟
 بر شما گردید تلاوت جملگی
 چون عیان است جمله آیات مبین
 هم رسول همراهتان در بندگی
 هر که آرد او تمسک بر اله
 بر هدایت می‌رود از هر تباه
 در ره یزدان و خلاق رحیم
 می‌رود اندر صراط مستقیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

﴿۱۰۲﴾

اهل ایمان! جملگی اندر جهان سخت بهره‌یزید ز ربّ مستعان
 آن‌چنان پرهیز که در شأن خداست حقّ تقویٰ و حقوقی که بجاست
 تا نمیرید آن‌چنان وقتِ ممات جز مگر مُسلم بگشته در حیات

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ
 بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا ۚ
 كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

﴿۱۰۳﴾

چنگ اندازید به ریسمان اجمعین نه جدا گردید ز حق و عزّتش
 یاد آرید از خدا هم نعمتش که شما بودید خصمِ یکدگر
 دشمنی ورزیده بر هم مستمر لیک ألفت دادتان حق از کرم
 جملگی گشتید برادر بهر هم بر شما گودال آتش شد پدید
 هم رهایی دادتان ربّ فرید می‌کند آیات خود را حق بیان
 این‌چنین واضح برای مردمان تا مگر یابید هدایت آشکار
 آخرالامر جمله گشته رستگار

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْمُفْلِحُونَ

﴿۱۰۴﴾

از میانتان شما ای اهل دین! آن کسانی که بگشتند متّقین
 کرده دعوت مردمان بر کار خیر امر بر معروف بنمایند به سیر
 همچنین نهی از جمیع منکرات از عملهای پلید و بد صفات
 این‌چنین افرادِ هادی در جهان جملگی باشند ز خیلِ مُفلحان

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنۢ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿۱۰۵﴾

هم نباشید هیچ شما از آن کسان که بیارند تفرقه اندر میان
 اختلاف آرند بعد از بینات بر خلاف پویند راه از هر جهات
 این چنین افرادِ پست و بس لئیم بهرشان باشد عذاب های عظیم
 يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا
 الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

﴿۱۰۶﴾

روزی آید که بگردد بس پدید روی برخی همچنان ماهِ سپید
 روی برخی که برفتند بر تباه تیره و تار و بگردیده سیاه
 بهر آنها که بگشتند تیره روی یک ندا آید، بدین سان گفتگوی
 بعدِ ایمان پس چرا کافر شدید؟ بر خطا رفتید و خیره سر شدید؟
 پس چشید اینک جزای کفرتان زانچه تکذیب می نمودید در جهان

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

﴿۱۰۷﴾

بر کسان که رویشان گشته سپید آید از ایزد بشارت و نوید
 که شوند مشمولِ رحمت، جاودان در بهشتِ عدن و اندر جنتان

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ

﴿۱۰۸﴾

این نشانی ها و آیاتِ خداست بهر تو خواندیم که بر حق و رواست
 سوی مخلوقاتِ خود رب از کرم او ندارد هیچ اراده بر ستم

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

﴿۱۰۹﴾

از خدا هست هر چه باشد در زمین آنچه اندر رو و در عمق همچین
هم هر آنچه که وجود اندر سماست سوی حق رجعت ز کلّ ماسواست

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ
أَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

﴿۱۱۰﴾

هم شماید بهترین از اُمتان بر عبادت‌ها و از طاعاتتان
از میان جمله مخلوق و اُمم بهرتان ایزد نداده هیچ کم
امر بر معروف و نیکی می‌کنید هم جلو گیرید ز هر کار پلید
اهل ایمان گشته اندر روزگار مؤمنین بر ذات پاک کردگار
گر که می‌کردند چنین اهل کتاب می‌نمودند دین راستین انتخاب
خیر می‌بود بهرشان از هر نظر می‌شدند جمله رها از هر خطر
لیک قلیلی می‌شوند از مؤمنان اکثراً از جهل شوند از فاسقان

لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُواكُمْ يُوَلُّوكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ

﴿۱۱۱﴾

دشمنان را بر شما نبود زیان جز ز بدگویی و از نیش زبان
با شما آیند اگر در کارزار می‌کنند جمله فرار با اضطرار
بهرشان نیست نصرتی اندر جدال از کسی یا از خدای ذوالجلال

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ
اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ
حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

﴿۱۱۲﴾

مُهرِ ذلت خورده بر این غافلان هر کجا که چنگ می‌آرند بر آن

جز مگر ریسمانِ حق اندر جهان یا که ریسمان و به عهد با مردمان
 چون به آیاتِ خدا ورزیده کین پس سزاوارند عقوبت این چنین
 مُهرِ ذلت، خواری و بیچارگی مسکنت‌ها و سپس آوارگی
 چون که بر آیات حق کافر شدند قاتل پیغمبران از شر شدند
 این زِ عصیان بوده و روی گناه وز تعدّی‌ها به فرمانِ اله

﴿۵﴾ لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتُْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

﴿۱۱۳﴾

نیستند یکسان ولی اهلِ کتاب جمعی از ایشان بپویند ره صواب
 قائمند بهر نماز در نیمه شب هم بخوانند برخی از آیاتِ رب
 آورند سجده همی در روزگار چهره بر خاک در ره پروردگار

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي
 الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

﴿۱۱۴﴾

بر خدا و هم قیامت مؤمنند آمر خیرند و ناهی از بدند
 ساعی‌اند از بهر خیرات در جهان این گروهند نیز ز جمع صالحان

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

﴿۱۱۵﴾

کارِ نیکو گر کنند اهلِ کتاب نمی‌شوند محروم از خیر و ثواب
 هست دانا ذاتِ ایزد بالیقین بر همه احوال و کارِ متّقین

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
 هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

هر که کافر شد به یزدانِ احد کثرتِ مال و زِ فرزند و ولد
نیست کافی و مؤثر هیچ‌گاه تا رهایی یابد از قهرِ اله
اهل آتش می‌شوند این غافلان در جهنم نیز بمانند جاودان

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ ۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

هست انفاقِ خسان اندر مثل در حیاتِ دنیوی و در عمل
مثلِ بادِ سرد و سوزنده مدام که تباه سازد همه محصول تمام
حق نکرده ظلمی بر قومِ پلید سوی خود ایشان ستم کرده شدید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ
الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

هیچ نگیرید ای گروه مؤمنان! دوست و یاور از میانِ مردمان
غیرِ آن که او بود هم‌دینتان یآوری ورزد شما را در جهان
نه زِ آنهایی که رفتند بر فساد دشمنی با حق نمودند از عناد
بهرتان محنت بخواهند و بلا تا بگردید در جهان سخت مبتلا
هم بگویند بی‌ابا و آشکار دشمنتان جمله آیند در شمار
آنچه در سینه نگه دارند نهان هست سنگین‌تر زِ گفتارِ زبان
ما چنین کردیم آیات را بیان تا مگر ورزید خرد از بهرِ آن

هَآ أَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا
خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ ۚ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

آری! گیرید این جماعت را چو یار
چون شما مؤمن بگردیدید عیان
دوستی می‌ورزید شما از دل و جان
لیک ایشان نزدتان ای مؤمنین!
تا که بر خلوت ولیکن می‌روند
این‌چنین گوید به قوم کفرکیش
هست آگاه ذاتِ یکتای غفور
بر همه نیات و اعمال و صدور
که بمیرید جملگی از خشم خویش
دست بر دندان ز خشم خود شوند
دشمنان بوده‌اند لیک آشکار
با تمام این جماعت وین کسان
ظاهرأ باشند موافق سوی دین
بر کتاب‌های الهی در جهان

إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَ إِنْ تَصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا ۖ وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

گر شما را نیکی و خوبی رسد
گر بلا آید به سویتان زیاد
صبر گر پیشه کنید از کیدشان
که بود علم خداوندی بسیط
می‌شوند دلگیر خبیثان از حسد
می‌شوند دلشاد ایشان از عناد
هیچ آسیبی نیاید سویتان
بر همه اجزای عالم او محیط

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ ۖ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

یاد آور ای رسول! آن روز پیش
تا که آراسته نمایی مؤمنان
هست شنوا، ذاتِ یکتای کریم
بر همه اجزای عالم او علیم
چون برفتی بامداد از اهل خویش
بر جهاد و بر جدالی بس گران

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا ۖ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

دو گروه بودند در بین شما در هراسِ جنگ اندر آن غزا
 قصد کردند بر فرار از بددلی از ره بی‌غیرتی و کاهلی
 یاورشان چون که بود ذاتِ الهِ جملگی ماندند آخر با سپاه
 پس بود لازم که جمعِ مؤمنان سوی حق آرند توکل هر زمان

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

﴿۱۲۳﴾

یاری کرد در جنگِ بدرِ پروردگار داد نصرت، گشته بودید گر چه
 خوار

پس بپرهیزید ز ذاتِ کردگار تا مگر شکرش گزارید بی‌شمار

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ

﴿۱۲۴﴾

تو بپرسیدی رسول! از مؤمنان هیچ نبود کافی به جنگ از بهرتان؟
 آن مدددهایی که آمد بس عیان در میان آن‌چنان جنگِ گران
 از سوی خلائقان شد رهسپار سه هزار تن از ملائک در شمار

بَلَىٰ ۚ إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِيَكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

﴿۱۲۵﴾

آری! گر که صبر کنید اندر جدال هم شوید نیز متقی بر ذوالجلال
 گر که حمله آورند بر سویتان سخت و سنگین آن گروه کافران
 از برای نصرت و هم حفظتان حق فرستد در جدال از بهرتان
 پنج هزار تن از ملائک در شمار همراه یک پرچمی از اقتدار

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۖ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

حق نه جز بهر بشارت و یقین این ملائک را فرستاد بر زمین
تا که آرامش بگیرد قلبتان رخت بربندد هراس از سینه‌تان
نیست هیچ پیروزی و فتحی یقین جز مگر از ذاتِ ربِّ العالمین
آن خدایی که عزیزست و حکیم هست توانا ذاتِ یکتای کریم

لَيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ

تا گروهی از چنین کفارِ دون بر هلاکت حق نماید سرنگون
جمعی دیگر را زبون کرده شدید که شوند دور و بگردند ناامید
لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

ای نبی! دستت نباشد هیچ چیز زان جماعت که کنند از کین ستیز
گر صلاح داند ببخشد اله از سر لطف چشم پوشد از گناه
یا اگر خواهد، عذاب آرد شدید چون که ظالم بوده‌اند و بس پلید
وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

از خدا هست آنچه باشد در زمین یا هر آنچه در سماوات اجمعین
هر که را خواهد ببخشد آن کریم یا اگر خواهد عذاب ببخشد آلیم
بهر مخلوقات خود اندر جهان هست بخشاینده و هم مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

مؤمنان! هشداری باشد بر شما که نباید خورد سودی از ربا
یعنی نفع‌های مکرر روی سود مالتان را وجهی از ناحق فزود
پس پرهیزید ز ذاتِ کردگار تا مگر آخر بگردید رستگار

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

پس بترسید از چنان آتش که آن هست مهیا از برای کافران
وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

از خداوند و رسول و دعوتش پیروی آرید که بینید رحمتش
﴿۵﴾ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

برشتابید سخت سوی مغفرت می‌رسد از ربّتان بس موهبت
بر بهشتی که یقین لاینتهاست آن عریض‌تر از زمین و از سماست
شد مهیا این‌چنین باغِ جنان از برای اهل تقویٰ در جهان
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ

آن کسانی که به فقر و در غنا می‌کنند انفاق در راه خدا

نیز فرو آیند در هنگامِ خشم از بدیِ مردمان پوشیده چشم
 ذاتِ پاکِ ایزدی هم بالیقین دوست می‌دارد جمیعِ محسنین
 وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ
 الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

﴿۱۳۵﴾

آن کسان که می‌کنند کارِ پلید یا ستم بر خود بورزیده شدید
 لیک به یاد آرند آن غفرانِ حق کرده استغفار زِ عصیانِ سبق
 بهر آمرزش که باشد جز اله؟ که ببخشاید زِ مردم او گناه
 این گروه اصرار نورزند بی‌گمان بر چنان افعالِ زشت اندر جهان
 آگهی دارند آنها کم و بیش از بدی و زشتی کارهای خویش
 أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَ نِعْمَ
 أَجْرُ الْعَامِلِينَ

﴿۱۳۶﴾

این گروه در رجعت و فرجامشان لایقند بر رحمتی از ربّشان
 در بهشتی که در آن نهرها روان جاری باشد زیرِ پای اهلِ آن
 اندر آنجا نیز بمانند جاودان اجرِ افعالِ نکو و کارشان

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

﴿۱۳۷﴾

بوده‌اند قبل از شما بس مردمان که همگی رفته‌اند از این جهان
 پس نمایید سیر بر روی زمین تا ببینید که چه شد بر کاذبین
 هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

این بیان از بهر مردم بالیقین هادی هست و موعظه بر متّقین
وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

سُست یا محزون نباشید در جهان چون شما والا شُدید از بندگان
گر که باشید از گروهِ مؤمنین سوی یزدان ره بپوید از یقین
إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ
الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

گر شکست آمد شما را مؤمنان! هم شکستی دیده‌اند اعدائتان
که بگردانیم به ایّام نیز ظفر بر هر آن کس که نماییم ما نظر
تا شوند معلوم بر حق، مؤمنان که گواهانی شوند بر مردمان
آخرا الامر می‌شود بر خلق عیان دوست ندارد حق تعالی^۱ ظالمان
وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ

تا کند پاک حق تعالی^۱ مؤمنان هم تباهی آورد بر کافران
أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ

آری! پندارید بیایید در بهشت؟ تا نگردید امتحان بر نیک و زشت

تا شود معلوم هر آن که با ثبات بهر حق کرده جهاد از هر جهات
هم شوند معلوم آن قومِ صبور با خدا بوده شکيبا در امور
وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

﴿۱۴۳﴾

پیش از این داشتید تمنا آشکار که دهید جان در ره پروردگار
پس چرا تا رو به سوی جنگ کنید همچو ترسویان نظاره می‌کنید
وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ
وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

﴿۱۴۴﴾

نیست محمد خود به غیر از یک قبل او هم از رسل بودند همی
نبی
جملگی رفتند از این دارِ فنا بر سوی حق و بر آن دارِ بقا
گر بمیرد یا شود کشته رسول و نماید دعوت حق را قبول
بازمی‌گردید شما در آن زمان؟ سوی دینِ اول و اجدادتان؟
گر شوید مُرتد، روید اندر خطا نیست ضرر هرگز بر آن یکتا خدا
پس به زودی می‌دهد حق بی‌کران خود جزای کارِ نیک شاکران
وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ
يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ

﴿۱۴۵﴾

جان نمی‌بازد کسی در روزگار جز که باشد آن به اذنِ کردگار
ثبت باشد هر اجل و هر قضا در کتابی که ندارد هیچ خطا
هر که کوشد بر متاعِ دنیوی بهره‌مندش می‌نماییم مُنتهی

آن که طالب شد ثوابِ آخرت بخشیم او را ما یقیناً مغفرت
این‌چنین بخشد خداوند جهان خود جزایی نیک بهر شاگردان

وَكَايِنَ مَنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا
وَمَا اسْتَكَانُوا ۖ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

﴿۱۴۶﴾

بوده بسیار از رسل در کارزار گشته دادند در نبردها بی‌شمار
لیک بودند استوار بس مؤمنان در قبالِ سختی‌های بی‌کران
ضعف و سستی در ره پروردگار هیچ نیافتند و بماندند پایدار
سر به زیر هرگز نگشتند از یقین دوست دارد حق تعالی صابرین

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

﴿۱۴۷﴾

هیچ نبود در صحبتِ آن مؤمنان غیر از اینکه این‌چنین کرده بیان
تو ببخش ما را خداوندِ غفور! از همه جرم‌ها و اسراف در امور
محکم و ثابت نما اقدامان نصرتی ما را ببخش بر کافران

فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

﴿۱۴۸﴾

دادشان یزدان نصیبِ دنیوی همچنین حُسنِ ثوابِ اخروی
دوست دارد حق تعالی محسنین که بماندند ثابت اندر راه دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

﴿۱۴۹﴾

ای! کسانی که به ذاتِ کبریا داشته ایمان از یقینی بی‌ریا
پیروی گر که بیارید در جهان زان جماعات پلید و کافران
می‌کشاند سوی کفر بار دگر می‌شوید آنکه زیانکاران زِ شر

بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

﴿۱۵۰﴾

آری! حق باشد نه غیر، مولایتان برترین ناصر و یاور بهرتان
سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۖ وَ مَاوَاهُمُ
النَّارُ ۖ وَبِئْسَ مَثْوًى لِلظَّالِمِينَ

﴿۱۵۱﴾

هم به زودی ما به قلبِ کافران ترس ببخشیم و هراسِ بی‌کران
زان که شرک آورده بر ذاتِ اله که حقیقت آن نداشته هیچ‌گاه
می‌روند در دوزخ و در قعرِ نار جاودان مانند زبون و جمله خوار
که بود بد جایگاهی آن مکان بر ستمکاران و جمله ظالمان
وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ
مَنْ بَعْدَ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ ۚ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ
عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۚ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

﴿۱۵۲﴾

وعده‌ی حق بر شما بوده درست که شدید پیروز شما اندر نخست
همچنین بر اذنِ آن یزدان پاک بر هلاکت دشمنان افکنده خاک
دائماً بر دشمنان غالب شدید با تمام اقتدار و هم امید
سُستی کردید لیک از افکارِ دون منهزم گشتید زِ اعداء زبون
بینتان انداخت طمع بد اختلاف پشت بنمودید به ناگه بر مصاف

بعد آنکه لطف حق بگشوده بود
 عده‌ای گشتید از جنگ منصرف
 گر چه آنچه را که داشتید آرزو
 برخی از بهر متاع دنیوی
 حق تعالی ز آنچه بر عصیان برفت
 تا نماید امتحان حق بندگان
 بار دیگر هم گذشت پروردگار
 صاحب فضل است خدا بر مؤمنان
 روی اقبال و ظفر اندر شهود
 از فرامین رسول هم منحرف
 با همان مطلوب بگشتید روبه‌رو
 برخی دیگر بر ثواب آخری
 بر شکستی منهزم کرد پیشرفت
 زین جهاد سخت اندر آن زمان
 زین چنین خبط و خطای آشکار
 می‌گشاید رحمتش در دو جهان

﴿۵﴾ إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لَّكِيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۖ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

﴿۱۵۳﴾

تا ز وحشت جملگی کردید فرار
 خواندتان آنکه رسول مقتدا
 از چنین بی‌اعتباری پشت هم
 تا بدانید که نباید غم خورید
 همچنین اندر مصیبت در جهان
 حق هر آنچه می‌کنید از خیر و شر
 بهر هیچ کس فکر نیاوردید به کار
 دعوتش را لیک نکردید اعتنا
 حق بدادتان بسی اندوه و غم
 بر هر آنچه که ز دستش داده‌اید
 هیچ نباید که شوید محزون از آن
 هست آگاه و از آن دارد خبر

ثُمَّ أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنٌ نَّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِّنْكُمْ ۖ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَلْ لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ ۗ قُلْ إِنِ الْأَمْرُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۖ يَخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا ۗ قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۖ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

﴿۱۵۴﴾

بر شما اعطا نمود از بعدِ غم
آن چنان خوابی که برخی از شما
با شک و تردید بنمودند بیان
گو رسولاً! که امور دست خداست
بوده در دلهایشان چیزی نهان
گر که ما را نصرت حق بُد قرین
گو اگر بودید شما در خانه‌ها
گشته می‌شد در درونِ خانه‌اش
اندر آن وقتی که ثبت گشته قضا
حق تعالی^۱ امتحان آورد چنان
آگه و داناست ذاتِ کردگار
خوابِ در امنیّت و آرام هم
باز برفتند سوی افکارِ خطا
بارِ دیگر فتح بیاید دستان؟
هر چه را خواهد یقیناً آن رواست
که زِ مکر بر تو نمی‌آرند بیان
پس چرا کشته بدادیم اینچنین؟
آن که مرگش حتم بوده از قضا
چون که مرگ او رسیده نوبه‌اش
می‌رود با پای خود سوی فنا
که شود پاکیزه آن قلب‌هایتان
از قلوبِ هر کسی در روزگار

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا^۱ وَلَقَدْ
عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ^۲ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

﴿۱۵۵﴾

آن کسان که از جهاد کردند فرار
جملگی را تا که شیطان خواندشان
زان خطایی که نمودند روی سهو
حق تعالی^۱ از کرم بنمود عفو
منهزم گشتند به حالِ اضطرار
از ره ایزد همی لغزاندشان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا
غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ^۱ وَاللَّهُ يُخَيِّ
وَيُمِيتُ^۲ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

﴿۱۵۶﴾

مؤمنان! هرگز نباشید چون کسان
که اگرِ اخوان و خویشان همچنین
یا به جنگ با دشمنان بهرِ ظفر
هم نمی‌بستند چنان بارِ سفر
که زِ کُفّارند و می‌گویند چنان
هیچ نمی‌رفت آن سفر روی زمین

کشتن و مردن نمی بود سهمشان نزد ما بودند ایشان این زمان
 زین ندامت که رسد بر قلبشان حسرتی داده قرار حق بهرشان
 می کند زنده خدا، بخشد حیات هم دهد مرگ و ببخاید ممات
 چون که خلاق جهان باشد خیر بر همه اعمالتان است او بصیر

وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

﴿۱۵۷﴾

در ره حق گر شوید کشته شما یا بمیرید در ره یکتا خدا
 می شود آمرزشش اندر فزون رحمتی نیکوتر آید گونه گون
 که بود بهتر ز خیراتِ دگر فضلِ ایزد بهر تان نیز مُستمر

وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

﴿۱۵۸﴾

گر بمیرید بر رضای کردگار کشته گردید در ره پروردگار
 می شوید محشور به ربِّ کائنات تا که جان داده برفتید از حیات

فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۚ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۚ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

﴿۱۵۹﴾

ای رسول! مهر و لطف کردگار مهربان کرده تو را در روزگار
 گر تو بودی ای رسول! تندخوی می بگرداندند مردم از تو روی
 گر که امت از ره نابخردی با تو کردند بس جفاها و بدی
 تو ببخش و بهر ایشان نزدِ رب از خدا آمرزش و غفران طلب
 مشورت کن در جهاد تو با همه چون که هستند در هراس و واهمه

شو مُصمّم آخر الامر آشکار کن توکل تو به ذاتِ کردگار
 حق تعالیٰ دوست دارد آن عباد که توکل داشته، از حق کرده یاد
 إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۖ وَعَلَى اللَّهِ
 فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

﴿۱۶۰﴾

گر که یاری کردتان یکتا خدا هیچ کس غالب نگرده بر شما
 ذاتِ ایزد گر شما را کرد خوار کیست آن کاو مر شما را گشته یار؟
 مؤمنان را پس توکل بر خداست او که یاور باشد و هم رهنماست
 وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ ۚ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا
 كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴿۱۶۱﴾

نیست خیانت در شئون رهبران هم نکردند این چنین پیغمبران
 هر که خائن گشت اندر روزگار در قیامت کیفرش هست آشکار
 هر کسی کارش چه نیکو و چه بد حاصل کسب خودش را می چشد
 روز فرجام و جزا هست روی داد هیچ ظلمی بر کسی آنجا مباد

أَفَمِنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

﴿۱۶۲﴾

آن که طالب هست رضای کردگار هست مساوی در شئون روزگار؟
 با کسی که با خدا دارد ستیز بر ضلالت رفته و بر کفر نیز؟
 که بود مأوای او اندر جحیم جایگاهی بد بود بهر لئیم

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ

رتبه‌های جمله خلق و مردمان نزد حق پایه به پایه هست عیان
هست بینا و بصیر ربّ جهان بر همه نیّات و بر اعمالشان

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

از خدا منتّ بود بر مؤمنین که بکرد مبعوث بر روی زمین
یک رسولی از میان مردمان که کند آیاتِ حق را او بیان
نفسِ آنان تزکیه سازد و ناب هم بیاموزد بر ایشان از کتاب
هم بگوید او زِ حکمت‌های حق بر همه مخلوقِ عالم، هر فرق
گر چه بودند مردم اندر روزگار بر ضلالت، هم خطای آشکار

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بر شما گر که بیامد یک محن دشمنان دیدند مضاعف در علن
پس بپرسید با تعجّب که چرا؟ این مصیبت دادمان یکتا خدا؟
گو پیمبر! این مصیبت‌هایتان هست جمله حاصلِ اعمالتان
ناروایی کردید از خُبثِ ضمیر بر همه چیز ذاتِ حق باشد قدیر

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ

اندر آن روزی که می‌بود کارزار دو گروه گشتند مواجه، حمله‌وار

آنچه آمد بر سرتان در جدال بود اراده از خدای ذوالجلال
تا شناسد حق تعالی^۱ مؤمنین زین بلا و امتحان بهر یقین

وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا^۲ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا^۳ قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا
لَاتَّبَعْنَاكُمْ^۴ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ^۵
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

﴿۱۶۷﴾

تا شناساند خدا اهلِ نفاق
جمع آیید در قتال بهر اله
عذری آوردند قوم از روی ننگ
همرهی کردیمتان در این جهاد
گر چه در ظاهر مسلمان مذهبند
بر زبان رانند کلامِ پرفروغ
زانچه را کتمان نمایند بالمآل
گفت بر آنان که آرید اتفاق
یا دفاع آرید از خصم و سپاه
که اگر بودیم بلد ما فنّ جنگ
در قتال با دشمنانِ بدنهاد
لیک بر کفر و نفاق نزدیک ترند
لیک ندارند در قلوب غیر از دروغ
هست آگه تر بر ایشان ذوالجلال

الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا^۶ قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ
كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿۱۶۸﴾

آن کسانی که زِ جهل کردند بیان
پند ما را می شنیدند بالمآل
هیچ نمی گشتند کشته آن چنان
گر شما بودید قادر بر نجات
دور نمایید مرگتان اندر زمین
گر که اخوان و دگر خویشانمان
که رها سازید خود را از جدال
ای پیمبر! گو به آنها این بیان
چاره سازید بهر خود اندر ممات
گر شما یید از گروه صادقین

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا^۷ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

﴿۱۶۹﴾

هیچ میارید بهر خود اندر حساب که کسانی که بر آن حُسن‌المآب
جانِ خود باختند اندر راهِ حق کشته گشتند از عهودِ ماسبق
مرده‌اند ایشان همی از روزگار بلکه زنده مانده نزدِ کردگار
بهرشان انعام ایزد گونه‌گون رزق و نعمت دائم و اندر فزون

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

﴿۱۷۰﴾

هم فرحناکند ز فضلِ بی‌کران که خدا بخشیده بر آن بندگان
بس بشارت می‌دهند بر آن گروه که مقاوم در جهادند همچو کوه
عاقبت ایشان به هم ملحق شوند لایق این‌سان خطاب از حق شوند
که نباشد خوف و حزنی بهرتان واصلید اندر لقا با ربّتان

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۱۷۱﴾

هست بشارت بهرشان از کردگار بر همه انعام ایزد بی‌شمار
هم نمی‌سازد تباه حق بالیقین اجرِ این‌سان بندگان و مؤمنین

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

﴿۱۷۲﴾

آن کسان که بر جهاد کردند قبول استجابات کرده‌اند حق و رسول
بعدِ آن‌سان اضطراب و خستگی همچنان ماندند در پیوستگی
خوبی‌ها کردند و پرهیز از ضلال اجرشان اعظم بود از ذوالجلال

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

﴿١٧٣﴾

آن گروه از مؤمنان راستگو که بر ایشان گفته اعدای دورو که مهیا گشته لشکر بی شمار بر حذر باشید، بترسید زین سپاه هیچ نترسیدند لیکن قومِ راد هم بگفتند کافی باشد کردگار

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ﷻ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

﴿١٧٤﴾

فضل و نعمت شد بر ایشان آشکار تا که رو کردند به ذاتِ کردگار هیچ بدی را لمس نکردند بالمآل راضی و پیرو ز ذات ذوالجلال نامشان ثبت است از عهدِ قدیم هست خداوند صاحبِ فضلِ عظیم

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

﴿١٧٥﴾

این بود شیطان که بخشد ترس و دوستانش را بسی سخت آن رجیم بیم

پس نترسید و نیارید خوف از آن بل ز من ترسید فقط، ای مؤمنان!

وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ﷻ يُرِيدُ اللَّهُ آلَا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطْلًا فِي الْآخِرَةِ ﷻ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿١٧٦﴾

ای رسول! محزون مباش از جاهلان که کنند کفر و نفاقی بی‌کران
چیزی هرگز بر خدا نبود ضرر از نفاق و کفر این اهل شر
حق چنین خواسته که از هر بی‌نصیب باشند ایشان آخرت
مغفرت

بهر این اقوامِ دون و بس لئیم عاقبت باشد عذاب‌های عظیم

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۱۷۷﴾

آن کسانی که خریدند از خطا کفر را بر جای ایمان بر خدا
بر خداوند نیست چیزی را زیان بهر ایشانست عذاب‌های گران

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ ۚ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

﴿۱۷۸﴾

آن کسان که کفر ورزیدند به ما گر بدانها مهلتی کردیم عطا
هیچ نباید که به خود آرند گمان که بود این خیر و خوبی به‌رشان
بلکه مهلت داده‌ایم بر امتحان تا کنند افزون به طغیانِ گران
عاقبت بیند جزایی بی‌بدیل در عذابی که کند خوار و ذلیل

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

﴿۱۷۹﴾

هم نمی‌سازد رها حق آشکار مؤمنان در ورطه‌ی این روزگار
بلکه اندر امتحان، ذاتِ احد گوهر پاک را جدا سازد ز بد

آن خدایی که منزّه هست ز عیب نی‌کند آگاهتان از رازِ غیب
 لیک چنین رحمت نموده او نثار بر رسل و انبیاء در روزگار
 پس بگردید مؤمن و آید قبول ذاتِ ایزد همچنین جمعِ رسول
 گر بگردید مؤمن و پرهیزکار اجر می‌یابد عظیم و بی‌شمار

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ ۚ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۚ
 سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ

﴿۱۸۰﴾

آن که از بخل هیچ نمی‌آرد حساب زانچه را داده خدا از رزقِ ناب
 هیچ نبخشد چیزی بر فرد فقیر چون که باشد او بخیل و هم حقیر
 هم مباد! آنکه بیارد بر گمان که زِ بخلش منفعت برده گران
 بلکه شر بیند شدیداً آن‌چنان که همی باشد ضررها و زیان
 زانچه از بخل جمع کردند مالشان در قیامت گشته زنجیر بهرشان
 هست وارث بر سماوات و زمین حق‌تعالی در قیامت اجمعین
 بر همه اعمالتان اندر ضمیر ذاتِ ایزد آگه است و هم خبیر

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ ۚ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ
 الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

﴿۱۸۱﴾

حق شنید حرفهای آن افراد دون که بگفتند با تمسخر، طعنه‌گون
 هست گویا حق فقیر و ما غنی که ببخشیم مستمندان را همی
 ما یقیناً ثبت کنیم گفتارشان می‌نویسیم حاصلِ اعمالشان
 زان گنه که نیز گشتند انبیا بس به ناحق آن گروه اشقیا
 ما نشان خواهیم بداد روز شمار که چشند طعمِ زبانه‌های نار

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

شد چنین، زیرا که بفرستاده پیش
ظلمی هرگز حق نراند بی گمان بهر مخلوقاتِ خود، این بندگان

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ ۖ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّقْلِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

با نبی گفتند آنگه آن عنود
که به فردی نگرویم از مرسلین
آتشی گیرد فرا او را چنان
گر بیاری معجزه این سان، رسول!
گو که قبل از من رسولان آمدند
آنچه را خواستید آنگه زان رسل
پس چرا کشتید رسولانِ مبین؟

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

چون که انکارت نمایند ای رسول!
غم مخور هرگز ز این قوم عنود
آن رسولانی که بودند ماسبق
که همه بودند بی مثل و نظیر
کرده تکذیب تو در شرع و اصول
رسمشان با انبیاء تکذیب بود
بیناتی روشن آورده ز حق
با کتاب و آیه‌هایی بس منیر

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۖ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

هر کسی خواهد چشید فرجام کار طعم مرگ اندر حیات در روزگار
مزد هر اعمالتان در حدّ تام می‌رسد از کردگار روز قیام
هر که شد از آتش دوزخ به دور داخل جنت بیابد او حضور
می‌شود در عاقبت او رستگار از عنایات و زِ فضل کردگار
هر متاعی کاین جهان گردد نصیب نیست الاّ جز غروری و فریب

﴿لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا ۚ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

﴿۱۸۶﴾

آزموده می‌شوید با امتحان بر نفوس و همچنین اموالتان
طعنه‌هایی بشنوید، زخم‌زبان زان کسان کز ماسبق اندر جهان
بوده‌اند ایشان، از اهل کتاب اعتقاد داشتند بر روز حساب
همچنین نیز از گروه مشرکان بس اذیت‌ها و آزار گران
گر بگردید اهل تقوی و صبور عزم راسخ جمله یابید در امور

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

﴿۱۸۷﴾

حق گرفت پیمانی از روی حساب زان کسانی را که بخشیده کتاب
تا کنندش آشکار بر مردمان و نیارند هیچ کتمانی به آن
لیک بینداختند آیات پشت سر هم فروختند بس قلیل و مختصر
این تجارت که نمودند بس قلیل بوده بد سودایی و گردند ذلیل

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۱۸۸﴾

هم مپندار آن کسان که آشکار گشته شاد از فعلِ بد در روزگار
دوست دارند که همیشه مردمان بر ستایش آورند اعمالشان
می‌شوند ایشان رها در روزگار از عقوبت هم ز خشم کردگار
سهم این افراد و این قومِ لئیم دائماً باشد عذابی بس الیم

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۱۸۹﴾

مالک است، یکتای ربّ‌العالمین بر زمین و بر سماوات اجمعین
بر همه چیز او توانا و قدیر آگه و بینا و می‌باشد خبیر

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

﴿۱۹۰﴾

اندر ایجاد سماوات و زمین اختلافِ روز و شب نیز همچنین
هست دلیلی روشن و بس آشکار بر خردمندان، زِ ذاتِ کردگار

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

﴿۱۹۱﴾

آن کسان که در تذکرِ دائمند گاهی بنشسته و گاهی قائمند
همچنین نیز گاه بر پهلوئ خویش ذاکرِ حقّند دائم، کم و بیش
فکر خلقت از سماوات و زمین که بود مجموعِ آیاتِ مبین
بر زبان رانند کای پروردگار! خلقت بی‌هوده نبود استوار
تو مُنزه باشی از هر نوع حساب حفظمان فرما زِ آتش و زِ عذاب

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

هر که را وارد نمایی در جحیم خوار و بی‌یاور بماند آن لئیم
 بر ستم‌کاران و جمع ظالمین یاوری هرگز نباشد یوم دین

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ۖ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ
 عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

از منادیّ تو، ای ربّ جهان!
 که بگفتا جمله بر حق بگروید
 تا شنیدیم، ما به او دادیم جواب
 تو ببخشای در مقابل ای خدا!
 هم به نیکان، تو نما محشورمان
 در زمان فوت و اندر خلع جان

ما شنیدیم آنچه را آورد بیان
 بر خداوند، ذاتِ یکتای وحید
 گشته مؤمن بر خداوند و کتاب
 همچنین پوشان ز ما خبط و خطا
 در زمان فوت و اندر خلع جان

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

ای خدای مهربان! ربّ جهان!
 کن عطا بر ما، تو ای پروردگار!
 هم مده رسوایی بر ما یوم دین
 زانچه را که وعده فرمودی ز جود

زانچه وعده کردی بر پیغمبران
 که نصیب یابیم ز آن در روزگار
 تا شویم محروم ز الطاف مبین
 نیست خلفی اندر آن عهد و عهود

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذُكِّرَ أَوْ أُنْثِيَ ۚ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ ۚ
 فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ
 سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ
 الثَّوَابِ

بر فزودن در عطا و مُزدِ کار
اجر کس ضایع نگردد نزدِ من
جمله اعمال می‌رسد بر ممتحن
یا بشد اخراج ز شهرش خوار و زار
یا ببخشاید به راهِ حق ز مال
هم بیاریم از فضل در بهشت
این‌چنین پاداشِ حق است پربها
که ببخشاید به عبدِ مستحق

پس اجابت کرد ز لطفش کردگار
این‌چنین فرمود ذاتِ ذوالمنن
از شما چه مرد باشید و چه زن
آن که هجرت کرد از شهر و دیار
کشته گردد یا بُرد رنجِ قتال
ما بپوشانیم ز ایشان کارِ زشت
که بود جاری به زیرش نهرها
هست پاداشِ نکو در نزدِ حق

لَا يَغْنُرُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

﴿۱۹۶﴾

که ببینی کافران را هر دمی
می‌کنند اندر تجارت سودها

هان! فریبی نی‌خوری تو ای نبی!
فاتحانه می‌روند در شهرها

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

﴿۱۹۷﴾

حاصلِ اعمالِ این قوم ذلیل
وہ! چه بد جایست آن مأوایشان

این متاعِ دنیوی باشد قلیل
بعد از این دنیا، جهنّم جایشان

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ
وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ

﴿۱۹۸﴾

مؤمنند و اهل تقویٰ و یقین
زیر آن نهرهای جاری و روان
گستراند حق نعم‌ها بی‌کران

لیک آنان که به ربّ‌العالمین
منزل ایشان بود در جنتان
اندر آنجا نیز بمانند جاودان

آنچه باشد نزد ربّ العالمین بهر این نیکان بود از بهترین

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

﴿۱۹۹﴾

هم گروهی نیز از اهل کتاب	مؤمنند بر حق و بر روز حساب
معتقد بر آنچه نازل شد ز حق	بر شما و هم بر ایشان در سبق
خاشعند و هم مطیع کردگار	در همه اعمال خود در روزگار
هم نه بفروشد آیاتِ مبین	بر بهایی اندک این قوم متین
بهر ایشان اجری آید در شمار	که سریع باشد حسابِ کردگار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

﴿۲۰۰﴾

اهل ایمان! ای گروه مؤمنان!	صبر سازید پیشه اندر هر زمان
هم سفارش کرده بر هم نیز صبر	تا بگردید استوار و هم ستر
پاسداری نیز کنید از هر جهات	سخت بپرهیزید ز ربّ کائنات
تا مگر در آخر و فرجام کار	جملگی گردید رها و رستگار